

جناب آقای رسول موگویی

دانشجو دکتری
رشته روابط بین الملل
دانشگاه اصفهان

نقش آلمان

در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی
توسط رژیم صدام حسین ۱۹۸۸-۱۹۸۰

بررسی نقش آلمان در تجهیز رژیم صدام حسین به سلاح‌های شیمیایی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ نشان می‌دهد که این کشور، با وجود پیشینه تاریخی‌اش در استفاده از گازهای سمی در جنگ جهانی اول و تعهدات ناشی از پروتکل ژنو ۱۹۲۵، بار دیگر در یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر نقش آفرینی کرد. در خلال جنگ ایران و عراق، بیش از ۸۰ شرکت آلمانی از جمله کارل کورپ، شیمی گرونا و ژین بایرن با صدور تجهیزات و مواد دارای کاربرد دوگانه، زمینه تولید گازهای خردل و سارین را برای عراق فراهم کردند. این همکاری صنعتی و فناورانه، در نهایت به وقوع حملات شیمیایی گسترده در سردشت و حلبچه انجامید که هزاران قربانی غیرنظامی بر جای گذاشت و مصداقی آشکار از نقض فاحش حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بود. بر پایه ماده ۱۶ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) و قواعد آمره بین‌المللی، دولت‌ها و شرکت‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در چنین جنایاتی معاونت می‌کنند، مسئولیت بین‌المللی دارند. آلمان، هرچند در دهه‌های اخیر با پیوستن به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (CWC, 1993) و مشارکت در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) تلاش کرده گذشته خود را جبران کند، اما مسئله پاسخگویی و جبران خسارت قربانیان همچنان حل‌نشده باقی مانده است. استمرار مطالبه عدالت از سوی قربانیان ایرانی و کرد عراقی، نشانگر آن است که میراث تاریخی صنایع آلمانی هنوز به‌عنوان آزمونی اخلاقی و حقوقی پیش‌روی این کشور در عرصه حقوق بشر و عدالت بین‌المللی قرار دارد.

کلیدواژگان: سلاح‌های شیمیایی، آلمان، عراق، مسئولیت بین‌المللی، سردشت و حلبچه.

مقدمه

سلاح‌های شیمیایی یکی از فاجعه‌بارترین ساخته‌های بشری در عرصه جنگ و مخاصمات هستند؛ ابزارهایی که مرز میان صحنه نبرد و حیات بشر را درهم‌شکسته و فجایع انسانی، اجتماعی و زیست‌محیطی به بار آورده است. این سلاح‌ها نه تنها در لحظه استفاده موجب مرگ‌های گسترده و رنج طاقت‌فرسای انسانی برای بازماندگان می‌شوند؛ بلکه آثار بلندمدتی همچون ابتلا به سرطان، بیماری‌های تنفسی، ناهنجاری‌های ژنتیکی، مشکلات پوستی، ناباروری و مشکلات روانی را بر نسل‌های بعد نیز تحمیل می‌کنند. علاوه بر آن، آلودگی خاک، منابع آب و اکوسیستم‌ها به واسطه ترکیبات شیمیایی، پیامدهای پایدار و غیرقابل‌بازگشت زیست‌محیطی بر جای می‌گذارد. از این رو، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سطح بین‌المللی به‌عنوان نقض فاحش حقوق بنیادین بشر شناسایی شده و مصداقی روشن از بی‌اعتنایی و نادیده‌گرفتن کرامت انسانی به‌شمار می‌آید. در حوزه حقوق بشر، آثار این سلاح‌ها با حقوق بنیادینی همچون حق حیات در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حق بر سلامت و اصل منع شکنجه و رفتار غیرانسانی در تعارض مستقیم قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، اسناد بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست، همچون اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و اعلامیه ریو (۱۹۹۲) بر پیوند میان حفاظت از محیط‌زیست و برخورداری انسان از زندگی سالم تأکید دارند؛ بنابراین، کاربرد یا حتی تسهیل کاربرد سلاح‌های شیمیایی، تجاوزی آشکار به هم‌پوشانی حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست محسوب می‌شود.



کشور آلمان در زمینه تولید و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی جایگاهی خاص و تاریخی در نظام بین‌الملل دارد. در جنگ جهانی اول، نخستین کاربرد گسترده گازهای سمی از جمله کلر و فسژن توسط ارتش آلمان رقم خورد. این اقدام موجب کشته‌شدن بیش از ۹۰ هزار نفر و مجروحیت نزدیک به یک میلیون نفر گردید. این تجربه دردناک، انگیزه‌ای جدی برای جامعه بین‌المللی در جهت تدوین پروتکل ژنو ۱۹۲۵ بود که به‌صورت صریح، استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده را ممنوع اعلام کرد. هرچند این پروتکل مانع از ادامه تحقیقات و توسعه این سلاح‌ها نشد و البته هرچند این پروتکل صرفاً «استفاده» را منع می‌کرد و تولید و ذخیره‌سازی را منع نمی‌کرد، اما به لحاظ حقوقی، سنگ بنای ممنوعیت جهانی سلاح‌های شیمیایی بود.

همکاری شیمیایی آلمان و صدام حسین

با این حال، نقش آلمان تنها به گذشته دور و جنگ جهانی اول محدود نمی‌شود. این کشور روابط راهبردی-امنیتی بسیار جدی با رژیم صدام حسین داشت. به گفته علی دوغان پژوهشگر مرکز مطالعات مدرن «لایب نیتس»، پس از بازدید رئیس وقت سرویس اطلاعات مرکزی آلمان غربی از بغداد در تابستان ۱۹۷۹، احساسات ضدکمونستی صدام، همراه با تمایل ریشه‌دار او به اطلاعات آلمان، دوران جدیدی از روابط آلمان و عراق را رقم زد و آغاز اشتراک‌گذاری اطلاعات بین آلمان و عراق را در پی داشت (Dogan, 2021). گرچه فرانسوی‌ها سلاح، بریتانیایی‌ها ماشین‌آلات، سوئدی‌ها کامیون‌ها و بلژیکی‌ها آشیانه‌های محافظ برای عراق ارسال می‌کردند، اما ارتباط با آلمانی‌ها منافع بسیار بیشتری برای صدام حسین به ارمغان آورد؛ مواد کلیدی برای راه‌اندازی جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی، ارتقاء موشک‌های

بالستیک و اجزای مهم خودکفایی هسته‌ای (Marshall, 1991)، همگی توسط آلمان برای صدام حسین تأمین می‌شد. در دهه ۱۹۸۰ و در خلال جنگ ایران و عراق، گزارش‌های متعددی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری منتشر شد که نشان می‌داد برخی شرکت‌های خصوصی آلمانی (آلمان غربی) از جمله شرکت‌های کلاوس مارین، شیمی گرونا، مولر اند کمپانی، همپر، ژین بایرن، کارل کورب و غیره با صادرات تجهیزات صنعتی و مواد شیمیایی دارای کاربرد دوگانه، به رژیم بعث عراق در تولید سلاح‌های شیمیایی یاری رسانده‌اند. در سال ۱۹۹۱، هفت مقام ارشد شرکت آلمانی کارل کورب از جمله دو مدیر اجرایی به دلیل ارائه تجهیزات ضروری برای تولید سلاح‌های شیمیایی به دیکتاتوری عراق در مجتمع‌های سامرا و فلوجه تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند؛ در اوایل سال ۱۹۸۴، نیویورک‌تایمز گزارش داد که این شرکت و شرکت وابسته به آن با نام پایلوت پلانت، تجهیزات توسعه آفت‌کش‌ها را به عراق عرضه کرده‌اند. این تأسیسات «برای تولید گاز سمی در مقیاس بزرگ‌تر مناسب بودند» (Neuber, 2002). همچنین یک نشریه هفتگی آلمانی در دسامبر ۱۹۸۷ گزارش داد که این شرکت، یک «محفظه گاز» مناسب برای آزمایش سلاح‌های شیمیایی روی سگ‌ها و گربه‌ها به بغداد صادر کرده است (Adibmoghammad, 2006). همچنین در سال ۱۹۹۱ کیفرخواستی توسط دادستانی شهر دارمشتات علیه ۱۱ تاجر آلمانی به دلیل ارسال تجهیزات مرتبط با سلاح‌های شیمیایی به عراق صادر شد که ارزش کل صادرات ادعایی توسط این افراد، حدود ۳۰ میلیون مارک معادل ۱۸ میلیون دلار بوده است (Kiefer, 1991). به‌طور کلی تا سال ۱۹۸۹ یعنی تا قبل از ایجاد تنش جدی و درگیری مستقیم میان صدام حسین و غرب، حمایت آلمان، عراق را به بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهایی در خاورمیانه تبدیل کرده بود که می‌توانستند در جنگ استفاده شوند؛ گفته می‌شود حدود ۸۰ شرکت آلمانی تجهیزات لازم برای برنامه تسلیحاتی رژیم صدام حسین را تأمین کرده‌اند که بسیار بیشتر از مشارکت سایر کشورها است (Morning Star, 2021)؛ مثلاً در رده دوم تأمین‌کنندگان، آمریکا با اختلافی زیاد و حدود ۲۴ شرکت قرار دارد که نشان می‌دهد تعداد شرکت‌های آلمانی که با عراق همکاری داشته‌اند، بیش از سه برابر شرکت‌های آمریکایی به‌عنوان متحد سیاسی عراق بوده است. نتیجه این همکاری‌ها، حملات گسترده شیمیایی علیه ایران در شهر سردشت (۱۹۸۷) و فاجعه‌ای همچون حلبچه (۱۹۸۸) بود که به مرگ حدود پنج هزار غیرنظامی و مجروحیت ده‌ها هزار تن دیگر انجامید. علاوه بر آن، در شهرهای دیگر ایرانی نیز، نشانه‌هایی از به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها دیده شد و البته لازم به ذکر است که رژیم صدام حسین این‌گونه سلاح‌ها را در جبهه‌های جنگ علیه ایران نیز بکار گرفت. این وقایع، نه تنها در تاریخ معاصر خاورمیانه ماندگار شد، بلکه مسئولیت اخلاقی و حقوقی سنگینی را متوجه آلمان ساخت. فاجعه سردشت که به طور مستقیم و گسترده، جمعیت غیرنظامی یک شهر را مورد حمله قرار داد، تبدیل به یک تراژدی انسانی شد؛ زیرا شهر پس از بمباران به‌سرعت در مسیر تبدیل شدن به شهر ارواح قرار گرفت؛ لحظه‌به‌لحظه بر شمار مجروحان افزوده می‌شد؛ با مسموم شدن کارکنان بخش‌های مختلف، خدمات‌رسانی و زیرساخت‌های سردشت یکی پس از دیگری فلج شدند؛ آلودگی مواد غذایی، مسمومیت‌های گوارشی را ایجاد کرده بود و محصولات کشاورزی و دامی آلوده و غیرقابل استفاده شده بودند. طبق گزارش‌ها، از جمعیت ۱۲ هزار نفری این شهر، حدود ۸ هزار نفر مسموم یا مصدوم شده و بالای صد نفر، شهید شدند (میزان، ۱۴۰۳). در همان مقطع زمانی، سردشت به‌عنوان اولین شهر قربانی سلاح شیمیایی (نه کشتار جمعی) جهان در رسانه‌های ایران مطرح شد.

مسئولیت حقوقی آلمان

با توضیحات فوق، از منظر حقوق بین‌الملل، پرسش اساسی این است که دولت آلمان و شرکت‌های خصوصی آلمانی چه مسئولیتی در قبال مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم در اینگونه وقایع داشته‌اند. بر اساس ماده ۱۶ پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، هر دولتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر معاونت یا تسهیل کند، خود نیز مسئول خواهد بود؛ همچنین در ماده ۴۱ آمده است که دولت‌ها مکلف‌اند به وضعیت‌های ناشی از نقض جدی هنجارهای آمره (مانند ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی) کمک نکنند. در ماده ۴۸ نیز ذکر شده که دیگر دولت‌ها حق دارند در صورت نقض قواعد آمره، از دولت ناقض جبران خسارت برای قربانیان مطالبه کنند.

اصول بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری که در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی انعکاس یافته‌اند، به‌صراحت مشارکت و معاونت اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتکاب جنایات بین‌المللی را قابل‌تعقیب می‌دانند؛ بنابراین، همکاری شرکت‌های آلمانی و دولت آلمان با رژیم عراق، اگر به‌قصد یا با آگاهی از احتمال استفاده از این مواد در ساخت سلاح‌های شیمیایی بوده باشد، می‌تواند مصداق مشارکت در جنایت جنگی و حتی جنایت علیه بشریت تلقی شود گرچه صلاحیت دیوان صرفاً شامل ارتکاب جنایاتی است که از ژوئیه ۲۰۰۲ (آغاز به کار رسمی دیوان) صورت گرفته باشد.

آلمان در دهه‌های اخیر کوشیده است با پیوستن به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (CWC, 1993) و ایفای نقش فعال در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)، گذشته خود را جبران کرده و به‌عنوان یکی از پیش‌گامان خلع سلاح شناخته شود. این کشور همچنین در چارچوب اتحادیه اروپا، سازوکارهای سخت‌گیرانه‌ای برای کنترل صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه ایجاد کرده است. باین‌وجود، گذشته تاریخی و شواهد مربوط به همکاری صنایع آلمانی با رژیم بعث، همچنان سایه‌ای بر اعتبار بین‌المللی آلمان باقی گذاشته و از منظر قربانیان ایرانی و عراقی، مسئله مسئولیت و جبران خسارت همچنان حل نشده است؛ در این راستا، بسیاری از قربانیان گُرد عراقی، به دنبال احقاق حقوق خود از شرکت‌های آلمانی در مجامع اروپایی هستند و دولت ایران نیز، آلمان را به همراه هلند، بریتانیا و آمریکا، در فجایع شیمیایی که رژیم صدام حسین رقم زد، مسئول می‌داند. موضوع پاسخگویی دولت‌ها و شرکت‌ها، ضرورت جبران خسارت قربانیان، تقویت کنترل‌های بین‌المللی بر صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه و نیز ایجاد سازوکارهای عدالت انتقالی برای شناسایی و جبران رنج قربانیان، همه مسائلی هستند که همچنان در دستور کار جامعه جهانی قرار دارند و مسئولان ایرانی همواره وعده داده‌اند که آلمان و شرکت‌های دخیل این کشور در جنایات صدام حسین را محکوم و پاسخگو خواهند کرد. آلمان نیز اگرچه در ظاهر امروز در صف کشورهای مخالف سلاح‌های کشتار جمعی ایستاده، اما میراث تاریخی و نقش صنایع خصوصی آن در دهه‌های گذشته، همچنان به‌عنوان یک آزمون بزرگ در برابر اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل باقی مانده است. شاید این کشور با استناد به اینکه همکاری با جنایات عراق به دلیل اینکه قبل از ۲۰۰۲ و شروع به کار دیوان بین‌المللی کیفری انجام شده، امکان‌پذیر نیست و بتواند از این بستر تبرئه شود؛ اما با پیوستن آلمان به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (CWC, 1993)، این کشور تعهدات مشخص و الزام‌آوری را پذیرفته است. بر اساس ماده ۱، آلمان موظف است به طور کامل از توسعه، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی خودداری کند. مطابق ماده ۷، این کشور مکلف است مقررات کنوانسیون را در نظام حقوق داخلی خود وارد کرده و تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ناقض، از جمله شرکت‌ها و مدیران آن‌ها را تحت پیگرد و مجازات قرار دهد. افزون بر این، طبق ماده ۹ آلمان موظف است همکاری کامل با سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) را تضمین کرده و زمینه را برای انجام بازرسی‌ها و تحقیقات این سازمان فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

پرونده نقش آلمان در تجهیز رژیم صدام حسین به سلاح‌های شیمیایی، تنها یادآور یک خطای تاریخی نیست، بلکه آزمونی پایدار از کارآمدی نظم حقوقی بین‌الملل و مسئولیت اخلاقی دولت‌های صنعتی در برابر بشریت است. این تجربه نشان داد که فاصله میان تعهدات رسمی و کنش واقعی دولت‌ها، زمانی که منافع اقتصادی و راهبردی در میان باشد، به‌سادگی می‌تواند به نقض اصول بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بینجامد. شرکت‌های آلمانی در دهه ۱۹۸۰ نه در خلأ سیاسی بلکه در بستری از تسامح نهادی، ضعف نظارت و بی‌عملی جامعه بین‌المللی فعالیت کردند؛ وضعیتی که به صدام حسین اجازه داد در سایه سکوت قدرت‌های اروپایی، یکی از بزرگ‌ترین جنایات شیمیایی قرن را رقم بزند. نکته محوری در این میان، چگونگی ترجمان دانش و فناوری به ابزار جنایت است. در حالی که آلمان خود را به‌عنوان یکی از پیشگامان فناوری صنعتی معرفی می‌کرد، صنایع شیمیایی‌اش در خدمت سیاستی قرار گرفتند که به نابودی انسان‌ها و محیط‌زیست انجامید. این دوگانگی، مرز باریکی را میان پیشرفت علمی و همدمستی فناوریانه در جنایت آشکار می‌سازد؛ مرزی که امروز نیز در زمینه‌های نوینی مانند هوش مصنوعی نظامی و تسلیحات خودکار، دوباره به چالش کشیده می‌شود. از منظر حقوق بین‌الملل نیز، تجربه آلمان در دهه ۱۹۸۰ ضعف‌های جدی نظام پاسخگویی جهانی را برملا کرد. اگرچه اصولی چون ممنوعیت مطلق استفاده از سلاح‌های

شیمیایی، قاعده آمره تلقی می‌شوند، اما فقدان سازوکار الزام‌آور برای پیگرد دولت‌ها و شرکت‌های دخیل، عملاً موجب تداوم بی‌کیفری شد. کنوانسیون ۱۹۹۳ و نقش آلمان در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی تلاشی برای بازسازی اعتماد بود، اما تا زمانی که قربانیان ایرانی و کرد عراقی از حق احقاق و جبران خسارت محروم بمانند، این تلاش‌ها ناقص و نمادین خواهد بود. بنابراین، مسئله آلمان نه صرفاً گذشته‌ای تاریک بلکه مسئولیتی معاصر است. پاسخگویی تاریخی در قبال فجایع شیمیایی می‌تواند الگویی برای بازتعریف رابطه میان صنعت، اخلاق و عدالت بین‌المللی باشد. تنها از رهگذر شفاف‌سازی، عذرخواهی رسمی و جبران واقعی خسارت قربانیان است که آلمان می‌تواند از زیر سایه سنگین همدستی فناورانه در جنایت رها شود و ادعای کنونی خود مبنی بر پایبندی به خلع سلاح، حقوق بشر و مسئولیت جهانی را به‌طور واقعی محقق سازد. در غیر این صورت، حلبچه و سردشت نه صرفاً یادگاری از گذشته، بلکه نشانه‌ای از ناکامی عدالت در زمان حال باقی خواهند ماند.

منابع

- Dogan, A. (2021, July 6). West Germany's Secret Back Channel to Iraq. Wilson Center. From: <https://www.wilson-center.org/blog-post/west-germanys-secret-back-channel-iraq>
- Marshall, T. (1991, February 15). Germany Was Hub of Iraq Arms Network in Europe. Los Angeles Times. From: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>
- Neuber, H. (2002, December 18). Saddam Hussein and the Bundestag Document with reference number AZ V B4-296-92-VS. Telepolis. From: <https://www.telepolis.de/features/Saddam-Hussein-und-die-Bundestagsdrucksache-AZ-V-B4-296-92-VS-3427751.html>
- Adib Moghaddam, A. (2006). The Whole Range of Saddam Hussein's War Crimes. Middle East Research and Information Project. From: <https://merip.org/2006/06/the-whole-range-of-saddam-husseins-war-crimes/>
- Kiefer, F. (1991, April 2). Probe Confirms German Role in Iraq's Chemical Weapons Buildup. The Christian Science Monitor. From: <https://www.csmonitor.com/1991/0402/02052.html>
- Morning Star. (2021, January 29). Iran pursues German companies that gave Saddam Hussein chemical weapons. People's World. From: <https://www.peoplesworld.org/article/iran-pursues-german-companies-that-gave-saddam-hussein-chemical-weapons/>
- Mizan. (2024, June 27). The Chemical Wound of Sardasht: A Symbol of the Reality of Western Human Rights. Mizan. From: <https://www.mizanonline.ir/00K3Y2>